

۲- موازی سازی مواد درسی - شیوه ی سازماندهی چند رشته ای:

در این شیوه یک موضوع در دروس گوناگون و مرتبط ادغام میشود. فرد هر یک از دروس مورد نظر را از منظر خاص خود بررسی میکند. این روش بوسیله ی «جان دیوئی» در آمریکا و «کوانیک باور» در آلمان ارائه شد که تا حدی در ارتباط با علوم اجتماعی، «دکرولی» آن را دنبال کرد.

مهمترین امتیاز این شیوه:

یک موضوع یا مسئله را بطور همه جانبه و در کلیت خود ارائه میدهد.

محاسن شیوه ی سازماندهی چند رشته ای:

۱- طراحی این روش نسبت به شیوه ه بین رشته ای تلاش کمتری می برد.

۲- کار با تشریک مساعی باعث ارتباط معلمان با یکدیگر می شود.

عیب های شیوه ی سازماندهی چند رشته ای:

۱- هر طراحی برنامه درسی که در جدول، طراحی محتوا و نیروی انسانی تغییراتی بوجود آورد باعث بروز مقاومت میشود.

۲- دانش آموزان نیاز دارند دیدگاه سنتی خود را دوباره داشته باشند.

۳- شیوه ی سازماندهی بین رشته ای:

در این شیوه واحدها یا درسها مجزا از سایر دروس و با ترکیب رشته های علمی سازماندهی میشوند.

امتیاز اساسی شیوه ی میان رشته ای:

کمک به یاد دادن مفاهیم است به این معنی که امکان تحلیل مسایل جدید را فراهم می آورد و دید وسیعی میدهد و از نگرستن در یک دایره ی محدود جلوگیری می کند و از جزم اندیشی می کاهد.

محاسن شیوه ی سازماندهی بین رشته ای:

۱- این شیوه یک شناخت و نظر جامع را در افراد پرورش میدهد و برای دانش آموزان تحریک کننده و

برانگیزاننده است .

۲- در این شیوه براحتهی میتوان رشته رابر محور موضوعات مسایلی که در زندگی جاری افراد گرفته میشوند

سازمان داد

عیبهای شیوه ی سازماندهی بین رشته ای:

۱- این شیوه مستلزم تلاش و تغییر است.

۲- تهیه برنامه های بین رشته ای به زمان کافی برای برنامه ریزی و توانایی طراحان برنامه نیاز دارد.

۳- بودجه کافی برای طراحی و برنامه ریزی نیاز دارد.

موانع سازماندهی بین رشته ای:

الف: نگرش سخت و محدود نگر معلمان

ب: فقدان زمان کافی برای معلمان برای طراحی برنامه های تلفیقی است .

پ: مانع دیگر سازماندهی زمان مدرسه است که به بخشهای زمانی کوتاه تقسیم شده است .

ت : مواد آموزشی نیز گاهی به جای اینکه مسئله ای را حل کنند به یک مشکل تبدیل می شوند .

ث: بسیاری از معلمان علوم اجتماعی از طرح کردن و پرداختن به موضوعات روز به علت بحث انگیز بودن آنها

و یا خارج از قلمرو مطالعاتی بودن آن موضوعات، گریزانند .

ج: گاهی دانش آموزان به عنوان مانع عمل می کنند .

۴- شیوه ی سازماندهی فرا رشته ای:

این شیوه اساسی تر از سایر شیوه ها است. در برنامه های فرا رشته ای، رشته ها را در نظر نمی گیرند و بر

آنها فایق می آیند. این شیوه با یک مسئله شروع می شود و از رشته های علمی، دانش جدیدی تولید میکند.

عقیده حامیان این رشته بر این است که باید برنامه های درسی بر تجربه های یادگیری وسیع یا مسایل

اجتماعی وسیع مبتنی باشد. در واقع یک برنامه درسی (تجربه مدار) است که با تعیین بعضی طرحهای تجربی

مانند ایجاد یک اجتماع مطلوب یا بنای یک محوطه بازی طراحی میشود.

انواع سه گانه شیوه ی سازماندهی فرارشته ای:

- ۱- برنامه درسی کودک محور جان دیوئی تجربه های یادگیری را بر محور ۴ انگیزه قرار داد: انگیزه اجتماعی، انگیزه سودمندی، انگیزه برای تحقیق و تجربه، انگیزه هنری.
دیوئی فعالیتهای معمولی کودکان را اساس سازماندهی تجربیات یادگیری بکار گرفت او مشاهده، بازی، داستانها و کاردستی را فعالیتهای معمولی دانش آموزان در نظر گرفت.
- ۲- برنامه مبتنی بر کارکردهای اجتماعی برنامه درسی: کارکردهای اجتماعی برای تلفیق نمودن یادگیریهها در حد وسیع، فرصت بیشتری را تدارک می بینند. در قالب چنین طراحی هایی، دروس سنتی از بین میرود.
- ۳- برنامه درسی مبتنی بر تجربه: علایق دانش آموزان که اساس سازماندهی فعالیتهای مدرسه است مورد استفاده قرار میگیرد. این شیوه با شیوه ی کودک محور اولیه تفاوت دارد زیرا علایق و نیازهای کودک قابل پیش بینی نیستند .

هدف برنامه درسی مبتنی بر تجربه:

- ۱- مهارت در استفاده از فنونی که در زندگی توام با مشارکت افراد موردنیاز است .
- ۲- مهارتهای سه گانه ی خواندن، نوشتن، حساب کردن درارتباط باعلایق دانش آموزان.
- ۳- ایجاد تجربیات گوناگون کافی برای تامین نیازهای همه ی دانش آموزان.
- ۴- کشف توانائیهای هر یک از بچه ها و کمک به توسعه ی آنها.
- ۵- دستیابی به یک ترکیب بهتر یادگیری با پیوند خانه و مدرسه و اجتماع.
- ۶- فراهم کردن فرصت مشارکت برای دانش آموزان در طراحی، اجرا و ارزشیابی. دانش آموزان از تجربه های یادگیری مواردی بر می گزینند که در حل مسایل مورد مطالعه مورد استفاده قرار میگیرد.

سازماندهی عمودی محتوا:

تنظیم عمودی مطالب مورد یادگیری به تقسیم بندی یک موضوع برحسب فواصل زمانی مربوط است.

روشهای مختلف سازماندهی عمودی محتوا:

۱- از ساده به مشکل: فراگیر، داده ها و مفاهیم عینی (مبنای فراگیری اصول و مفاهیم ذهنی) را فراهم می سازد. این تجربه برگرفته از تلاشهای (رابرت گانیه) است. مثال: فراگیری جمع و تفریق میبایست مقدم بر فراگیری ضرب و تقسیم صورت گیرد.

۲- از کل به جزء: معنی دیگر آن ((طراحی مفاهیم)) است. جامعترین و کلی ترین مفهوم در راس و مفاهیم جزئی تر در سطوح پایین تر سلسله مراتب قرار میگیرند.

۳- از عینی به ذهنی: زیر بنای این اصل عبارت است از:

الف: مواجهه ی فرد با محرک از طریق برقراری ارتباط میان محرک و ساختار دانش موجود در ذهن فرد میسر میگردد.

ب: ایجاد تغییر در ساختار دانش موجود در ذهن به منظور درک و فهم محرکها

۴- از جزء به کل: ابتدا مفاهیم جزئی از یک مفهوم را آموزش میدهم تا از پیوند آنها در ذهن فراگیر شناخت مفهوم کلی تحقق پیدا کند.

۵-شیوه سازماندهی مارپیچی:

یک روش تنظیم محتوا است. عرضه ی برخی مفاهیم، عقاید یا موضوع های اساسی به تدریج در طول برنامه درسی، بدون تکرار تمامی زمینه ی مورد یادگیری به طور کامل و منظم و برای عمق بخشی مطالعات دانش آموزان.

۶-شیوه سازماندهی براساس ساختار دانش:

هر یک از رشته های علمی دارای یک ساختار ذاتی هستند که چنانچه این ساختار به درستی ادراک شود در

فهم سایر مطالب مربوط به این حوزه از دانش به سهولت انجام خواهد پذیرفت. این شیوه برای آموزشهای دانشگاهی بسیار مناسب است. ولی وقتی قصد پرورش افراد برای زندگی اجتماعی داریم نمی توانیم اصالت را به ساختار دانش بدهیم.

۷- شیوه سازماندهی بر اساس علاقه به رشته های علمی

رایجترین شیوه سازماندهی، شیوه مبتنی بر رشته های علمی است. برنامه های درسی بطور سنتی با این روش سازمان پیدا می کردند. وقتی رشته های مختلف علمی توسعه یافتند و معرفت بشری در رشته های مختلف نظم و ساختار پیدا کردند، مواد درسی مدارس نیز همان عناوین را بخود گرفتند. مثل فیزیک، شیمی، تاریخ و غیره ...

ویژگیهای این شیوه ی سازماندهی عبارتند از:

الف: موضوعات درسی بصورت مجزا و در بخشهای مجزای زمانی در یک روز ارائه می شوند .

ب: از هر گونه فعالیت برای تلفیق پرهیز می شود .

ج: معلم از روش سخنرانی می تواند استفاده کند و ملاک استخدام او نیز تخصص اوست .

د: ارزشیابی بر اساس محفوظات شاگردان انجام می پذیرد.

ذ: برای هر ماده ی درسی یک کتاب درسی مخصوص چاپ و عرضه می شود.

و: هر معلم کتاب مخصوص خود را تدریس و در حوضه کار معلم دیگر دخالت نمی کند.

توجیه شیوه ی سازماندهی بر اساس رشته های علمی :

۱- ارزشهای این الگو ناشی از نقش مهم دانش در برنامه ی درسی است و در این زمینه هیچ بحثی وجود ندارد زیرا در صورت نبودن محتوا و نبودن دانش که بتواند به صورت ماهیت تجربه به کاررود برنامه ی درسی وجود نخواهد داشت .

۲- محتوای موضوع درسی بهترین یاور فراگیران در ارزیابی اطلاعات ، پاسخ به پرسشها ، بررسی بازسازی

در نقشه‌های آنها و به کار گیریشان و به طور خلاصه گسترش نیروهای عقلانی آنهاست

۳- محتوای تعلیم و تربیت زیربنای همان چیزی است که جهان بر روی آن قرار گرفته و چهارچوبی که این محتوا بر اساس آن تهیه شده است از نظر ماهیت همان گونه است .

۴- برونر چندین امتیاز را برای فراگیران ساختار یک رشته ی علمی تشخیص می دهد. اولاً : موضوع درسی را جامع تر می کند . ثانیاً : حافظه را تعالی می بخشد زیرا به فراگیران اجازه می دهد تا تفضیلات موضوع را در درون یک الگوی ساختاری جای دهند ثالثاً : ادراکی از قواعد و اندیشه های بنیادی موجب تسهیل » انتقال آموزش « به قواعد مشابه می شود .

۵- والدین معمولاً به این شیوه آشنا هستند.

۶- تمرکز روی هر رسته ی علمی دانش آموزان را با مهارتها و مفاهیم ویژه ی آن علم آشنا می کند
۷- معلمان در یک حوزه ی خاص تربیت می شوند . تربیت حرفه ای موجب می شود معلمان در دانش ، عمق بیشتری به دست آورند.

محدودیت های شیوه ی سازماندهی بر اساس رشته ی علمی:

۱- نمی توان بسیاری از موضوعات اساسی تعلیم و تربیت را آموزش داد. مانند تربیت حرفه ای - آموزشی دارویی.

۲- دانش بشری در عصر حاضر توسعه ی بسیار زیادی دارد به گونه ای که ممکن نیست کسی بتواند به بخش کوچکی از آن نیز تسلط یابد .

۳- این شیوه حتی اگر به خوبی نیز طراحی و اجرا شود با مسایل و علایق فراگیران بی ارتباط است.

۸- توسعه تدریجی محیط اجتماعی:

ابتدا چند مفهوم اساسی تعیین میشوند و بتدریج محیطهای مختلف که از نزدیکترین محیط تا دورترین ادامه می یابد طرح میگردند. طبیعی است که چون محیطها وسیعتر میگردند به پیچیدگی مطالب نیز افزوده میگردد.

مثال: مفهوم «وابستگی مردمان به یکدیگر» ممکن است در کلاس ابتدائی به این ترتیب آغاز گردد. دانش آموز وابستگی به والدین، شیر فروش محله، و دیگران را خودش تشخیص دهد و در سالهای بعدی با مفهومی وسیعتر آشنا شود.

۹-توالی زمانی:

مرتب کردن محتوا براساس توالی زمانی از شیوه های سازماندهی محتوا است. در این شیوه حقایق و ایده ها به گونه ای تنظیم میشوند که ارایه ی هر رویدادی قبل از خود معنا پیدا میکند. مثال: دوره های درس تاریخ بر حسب ترتیب زمانی وقایع تنظیم میشوند.

۱۰- از مساله تا کشف:

این شیوه با شیوه های قبلی متفاوت است در این شیوه که میتوان آنرا «روش کشف هدایت شده» نامید. سعی بر آن است به جای دادن مفاهیم و مهارتها، روش یادگیری به دانش آموزان آموخته شود و معلم سعی میکند فعالیتهای دانش آموزان را برای جستجو و تحقیق در نهایت کشف پاسخ مسئله سازماندهی کند. به عبارت دیگر در این شیوه، تجربه ها سازمان می یابند نه محتوا. این شیوه به دانش آموزان کمک میکند تا دانشی را که منحصر به خودشان است به دست آورند. زیرا آنها خود آن را کشف کرده اند.

طراحی شیوه ی آموزش اکتشافی:

- ۱- انگیزه ی درونی دانش آموز
- ۲- بازیابی ساده اطلاعات.
- ۳- یادگیری راه یادگیری: بدلیل توسعه ی روزافزون اطلاعات، انتقال همه ی آنها به افراد امکان پذیر نیست بنابراین باید برای زندگی آینده راه یادگیری را آموخت.
- ۴- خود پنداری مثبت.
- ۵- زمان کافی برای یادگیری: یادگیری کودکان منوط به زمان کافی است این زمان به هر بهانه ای کوتاه شود

مانع یادگیری موثر و عمیق می‌گردد.

سازماندهی یک درس اکتشافی:

برای سازماندهی محتوای یک درس اکتشافی رعایت مراحل زیر ضروری است:

۱- موضوع علم: تعیین موضوعاتی که معلم در یک دوره ی آموزشی قصد انجام آنرا دارد مطابق و هماهنگ با موقعیت سنی فراگیر باشد.

۲- بیان مساله: طرح سوال بوسیله معلم کمک میکند که زمینه های مختلف علوم را در نزد خود مشخص کند و بر اساس آن دانش آموزان را هدایت کند.

۳- کودکان چه چیزی را باید کشف کنند. اصول و مفاهیمی را که کودکان باید کشف کنند مشخص میشوند طرح مساله برای انجام فعالیتهای آنان کافی نیست.

۴- فرایندهای علمی: کودکان برای یادگیری هر مفهوم یا اصل به اعمال ذهنی نیاز دارند این اعمال در دروس اکتشافی مشخص می‌گردد.

۵- وسایل و تجهیزات مورد نیاز

۶- تعیین فعالیتهای علمی دانش آموزان: کودکان برای فهم مفاهیم و اصول به انجام فعالیتهای تحقیقاتی بصورت فعال نیاز دارند.

۷- کاربرد آموخته ها در موقعیت جدید.

آنچه معلم باید بداند:

- الف) تسلط به شیوه ی آموزش اکتشاف هدایت شده
- ب) محتوای علمی در رابطه با فعالیت اکتشاف هدایت شده
- ج) متغیرهای فعالیت اکتشاف هدایت شده

منابع و مآخذ:

- ۱) پروند، محمدحسن، مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران: انتشارات صحیفه، ۱۳۶۹.
- ۲) پورظهیر، علی نقی، برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۹.
- ۳) شریعتمداری، علی، جامعه و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۴) فیوضات، یحیی، مبانی برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران: مؤسسه نشر ویرایش، ۱۳۷۵.
- ۵) کافمن، راجر و هرمن، جری (۴). برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی. بازاندیشی، بازسازی ساختارها، بازآفرینی، ترجمه: فریده مشایخ و عباس بازرگان، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۴.
- ۶) گالن سیلور، جی و دیگران (۴). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری، ترجمه: غلامرضا خوی نژاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۷) لوی، الف (۴). مبانی برنامه ریزی آموزشی - برنامه ریزی درسی در مدارس، ترجمه: فریده مشایخ، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۵.
- ۸) مشایخ، فریده (ترجمه)، برنامه ریزی درسی در مدارس، تهران: انتشارات دفتر امور کمک آموزشی، ۱۳۸۱.
- ۹) مشایخ، فریده (ترجمه)، فرآیند برنامه ریزی آموزشی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۴.
- ۱۰) ملکی، حسن، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد: پیام اندیشه، ۱۳۸۰.